

# توافق نیفتد



می‌دهند. ۱۰ سال پیش کمتر کسی در شهرستان فیلم سینمایی به خصوص با نیروهای بومی همان جا می‌ساخت. مثلاً فیلم‌هایی مانند «درون ماهی» تا یک جایی به پلتفرم‌ها هم راه پیدا کردند. این بار هنر و تجربه بوده و ممکن است مثلاً آقای وزیری چند وقت بعد بخواهند یک فیلم سینمایی بدنه یا گیشه بسازند. یا کارهای تلویزیونی موفق که همان جا با نیروهای بومی ساخته شده بود. فکر می‌کنم در حال حاضر آمدن تا حدودی اشتباه باشد چون وقتی به تهران می‌آیند مسلماً از خانواده‌شان دور می‌شوند. موقعیت شغلی‌شان در شهرستان راز دست می‌دهند و تازه اینجا باید به دنبال شغل باشند تا بعد بتوانند با گروهی آشنا شوند و با آنها کار کنند. حتی در زمینه تئاتر هم در حال حاضر اوضاع بهتر از قبل شده هر چند که تعداد مخاطب تئاتر در شهرستان به نسبت تهران بسیار پایین‌تر است و نمی‌توان این مسئله را انکار کرد. به نظر من باز یگرانی که تازه وارد این عرصه شده‌اند با یک جشنواره یا یک جایزه استانی نباید ذوق زده شده و فکر کنند که حال اگر به تهران بیایند سریعاً برایشان اتفاقات خاصی می‌افتد بلکه باید بمانند و خودشان را تثبیت کنند. حتی اگر فردا کسی بخواهد فیلمی بسازد باید بتواند بگوید که در فلان شهرستان فلان بازیگران قدرتمند وجود دارند. اگر فقط با یک کار به تهران مهاجرت کنید نه در تهران قدر می‌شوید و نه در شهر خودتان. به نظر من نباید عجله کنند چرا که در هنر نمی‌توان یک شبه به نتیجه رسید.

## سخن پایانی

گروهی که در فیلم «درون ماهی» با هم کار کردیم یعنی خود آقای وزیری، برادرشان و بچه‌هایی که همکاری می‌کردند را افراد خاصی می‌بینم. به این علت که با این وضعیت اقتصادی که برای همه مشخص است اگر فرد بیاید و دست به چنین حرکتی در سینمای مستقل بزند، جرات به خرج بدهد و اثری که همه چیزش با هزینه شخصی است را به اینجا برساند واقعا شاکار کرده است. من روحیه آقای وزیری را تحسین می‌کنم. ایشان همیشه به ما روحیه می‌دادند و در بدترین وضعیت آنقدر مثبت صحبت می‌کردند که من می‌گفتم که چه دل خوشی دارد و ما موفق نمی‌شویم. اما واقعا با حرف‌های ایشان به اینجا رسیدیم که انسان نباید هیچ وقت کم بیاورد. در نهایت از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم که چراغ سینما و تئاتر کشور پر نور و پر نورتر و انگیزه‌ها نیز هر روز بیشتر شود.

## مسعود وزیری:

### مکتب برادران کاراست و جواب می‌دهد

#### در مورد چالش‌های تهیه این فیلم بگویید.

یکی از بزرگترین چالش‌ها این بود که چون «درون ماهی» اولین تجربه سینمایی من بود گرفتن پروانه ساخت دردسرساز بود. ما به هر حال فیلمساز شهرستانی و مستقل هستیم و نگاه‌مان هم نگاه مستقلی است و این خودش باعث می‌شود که روند گرفتن پروانه ساخت پیچیده‌تر شود. اینکه شما صرفاً یک فیلمنامه با ساختار سینمایی بدنه ببرید قطعاً موفق‌ترید و زودتر به نتیجه می‌رسید.

#### برنامه‌های آتی «درون ماهی» چیست؟

تولید این فیلم در سال ۹۸ تمام شد و همان سال در جشنواره شانگهای در بخش پاناروما شرکت کرد و بعد از آن در جشنواره رامسگیت انگلستان شرکت کرد و در کشورهای کلمبیا و برزیل نیز به اکران در آمد. اکران فعلی در هنر و تجربه اکران بعد از جشنواره هاست در واقع اثر در جشنواره‌هایی که باید تاکنون شرکت کرده است.

#### همکاری با برادران چه چالش و مزیت‌هایی داشت؟

همکاری دو برادر در مقام تهیه‌کننده و کارگردان مزیت‌ها و چالش‌های خاص خود را دارد به هر حال آن ارتباط عاطفی تأثیر خود را می‌گذارد اما از لحاظ فنی و محتوایی به نظر من قوام اثر را بیشتر می‌کند چرا که دو فکر در کنار یکدیگر قدرت بیشتری دارند. البته این ارتباط فکری در اکثر آثار ممکن است بین تهیه‌کننده و کارگردان رخ بدهد اما در همکاری دو برادر این مزیت وجود دارد که هر دو با جان و دل بیشتری این امر را می‌پذیرند. از طرفی تهیه‌کننده خود را حافظ سرمایه فیلم می‌داند و همه جور از آن پاسداری می‌کند اما در این نوع همکاری به نظر من تهیه‌کننده دست کارگردان را به خاطر اعتماد، بیشتر باز می‌گذارد و در واقع تمام نیروی او را صرف تولید فیلم خواهد کرد. از طرفی ارتباط برادری باعث شده تا قبل از اینکه فیلم وارد مرحله تولید شود ما تمام صحبت‌های لازم را انجام و قوی‌تر جلو برویم و در شروع کار استرس‌های کمتری داشته باشیم. این ارتباط به نوعی هم به یک مکتب در سینما تبدیل شده مثلاً اگر دقت کنید می‌بینید که آثار زیادی هستند که تولید برادران مثلاً ایکس هستند و این مزیت است که باعث می‌شود این اتفاق در زمان‌های مختلف در کشورهای مختلف رخ بدهد و نشان دهنده این است که فرمول برادران کار خودش را می‌کند و جواب داده است.

#### شده برقرار کند در این مورد بگویید.

من نقش قادر را سال ۸۶ در نمایشی که بر اساس همین نمایشنامه «درون ماهی» اجرا شد بازی می‌کردم و تنها بازیگری هستم که از آن گروه نمایشی به این فیلم راه پیدا کردم. من در کل قادر را فردی کاملاً منفی نمی‌دیدم و به نظر من هر انسانی تا یک جاهایی با انسان‌های دیگر راه می‌آید اما زمانی که منافعش به خطر بیفتد رفتارهای متفاوتی نشان خواهد داد. از نظر من ته دل این کاراکترها احساس مهربانی دیده می‌شود، زمانی که قادر به خانه یوسف می‌آید و وضعیت او را می‌بیند تلاش می‌کند تا کمتر به او فشار بیاورد اما لحظه‌ای که احساس می‌کند که یوسف و مادرش برای مواد نقشه‌های کشیده‌اند و موقعیت خود را در خطر می‌بیند دیگر رحم نمی‌کند.

**با توجه به اینکه خود شما از هنرمندان شهرستانی هستید که به تهران کوچ کرده‌اید از چالشی که هنرمندان شهرستان پس از مهاجرت به تهران با آن مواجه می‌شوند بگویید.**

در گذشته کارهای تصویر و تئاتر محدودتری در شهرستان‌ها انجام می‌شد و این آثار مورد استقبال قرار نمی‌گرفتند، به پلتفرم‌ها راه پیدا نمی‌کردند این باعث می‌شد که هنرمندان مجبور به مهاجرت می‌شدند و ۹۰ درصدشان هم به خاطر شرایطی که در تهران با آن مواجه می‌شدند و تجربه نکرده بودند شکست می‌خورند اما امروز وضعیت کمی بهتر شده است. چندی پیش در یک نشست خبری در شهر آبادان بودم و تعجب می‌کردم از اینکه تعدادی از بازیگران با اینکه فقط یک تئاتر بازی کرده بودند حال موفق یا ناموفق سریع به تهران مهاجرت کرده بودند. در حال حاضر بیشتر از قبل به شهرستان‌ها بها

احتمالاً این اقدام را انجام دهد چرا که ما در امروز قرار داریم و چنین رویی ما به شکلی است که تماشاگر هم در امروز قرار دارد و آنچه که در اپیزود سوم است فردا و آینده را روایت می‌کند و ممکن است ده‌ها تئوری دیگر برای بخش آینده وجود داشته باشد. آنچه در فیلم است تئوری‌ای است که پدر در آن لحظه به آن فکر می‌کند و رفتن به فردا در ذهن پدر است و در واقع فردایی اتفاق نمی‌افتد. ما از این مسئله به عنوان تمهیدی برای متفاوت کردن این فیلم استفاده کردیم.

## حیدر رحیمی:

### وضعیت تئاتر و سینما در شهرستان بهتر از قبل است لطفاً برای مخاطبان صبا خودتان را معرفی کنید.

از سال ۷۹ با مقوله بازیگری آشنا شدم و تمایل پیدا کردم که بخش عظیمی از زندگی‌ام را به روی بازیگری بگذارم. از تئاتر شروع و در شهرستان‌های بوشهر و آبادان کار کردم. از جشنواره‌های مختلف جایزه گرفتم و پس از آن در تهران در سالن شهزاد و مولوی اجرا داشتم. اولین کار تصویری‌ام با خود آقای وزیری در سال ۸۵ بود. بعد موفق شدم در سریال «کیمیایا» همین‌طور سینمایی «شب واقعه» بازی کنم. یک کار داستانی موفق با خود آقای وزیری به نام «لوفتاب» داشتم و موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر جشنواره بین‌المللی ورزشی ایران شدم. آخرین اثرم سینمایی «پالایشگاه» به کارگردانی آقای خوشبخت است که در شمارش معکوس اکران قرار گرفته است.

**نقش شما در این فیلم مجبور است که یک تعادلی بین خشونت گروهی که عضو آن است و خانواده‌ای که وارد آن**